

چرایی و چگونگی تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی

محمد جواد شریعت باقری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۲۲

چکیده

قانون مدنی، با وجود تعیین قاعده حل تعارض برای دسته‌های احوال شخصی، قراردادهای، اموال و شکل اسناد، در مورد مسئولیت‌های بدون قرارداد سکوت کرده است. آیا از این سکوت باید نتیجه گرفت که مسئولیت‌های بدون قرارداد نیاز به قاعده حل تعارض قوانین نداشته و بنابراین دادگاه در مورد دعاوی مسئولیت مدنی، چه عنصر خارجی داشته باشند چه نداشته باشند، باید قانون ایران را اعمال کند؟ یا اینکه قاعده حل تعارض وجود دارد و آن همان اصل سرزمینی بودن قوانین است؟ یعنی دادگاه ایران، اصل مزبور را قاعده حل تعارض قوانین تلقی می‌کند و قانون ایران را در مورد مسئولیت مدنی اعمال می‌کند؟ در مقاله حاضر تلاش شده تا نشان داده شود که هیچ‌یک از این دو برداشت درست نیست و مسئولیت‌های بدون قرارداد همچون سایر «دسته‌های ارتباط»، باید قاعده حل تعارض داشته باشد و در سکوت قانون‌گذار، رویه قضایی و دکترین می‌تواند و باید این تقیصه را بر طرف کند. این مسئله چرایی تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی است. اما در مورد چگونگی تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی، با وجود اینکه نظام‌های شناخته شده حقوقی در طی دوران‌های طولانی، قانون محل وقوع عمل زیان‌بار را حاکم بر مسئولیت مدنی شناخته‌اند، اما اخیراً به نقش حاکمیت اراده در تعیین قانون حاکم توجه ویژه مبذول شده و حق نیز همین است. در عین حال، در فقدان توافق طرفین، قانون محل وقوع، همچنان بهترین راه‌حل‌ها است.

* رئیس دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

کلید واژگان

قانون حاکم بر مسئولیت مدنی، محل وقوع عمل زیان بار، مقررات رم ۲، قانون حاکم بر الزامات بدون قرارداد، قانون حاکم بر تعهدات غیر قراردادی.



مقدمه

منظور از تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی، تعیین قانون حاکم بر الزاماتی است که به تعبیر قانون مدنی، «بدون قرار داد حاصل می‌شود»^۱ و بنابراین شامل مسئولیت‌هایی که به دلیل وجود قرار داد پدید می‌آیند نمی‌شود. دلیل این امر آن است که مسئولیت‌های قراردادی، «قانون حاکم» جداگانه دارند که در جای خود مورد بحث قرار می‌گیرد.

اما منظور از تعیین قانون حاکم، یافتن قانون کشوری است که باید بر ماهیت دعوا اعمال شود. تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی از این نظر اهمیت دارد که نظام‌های گوناگون حقوقی در مورد اینکه انجام دادن یا ندادن چه کارهایی موجب مسئولیت مدنی است و اینکه شرایط تحقق مسئولیت مدنی چیست اختلاف دارند.^۲ یعنی اگر نظام‌های حقوقی مقررات یکسانی در مورد مسئولیت مدنی می‌داشتند تفاوتی نمی‌کرد که قانون کدام کشور بر مسئولیت مدنی حاکم شود. اما با توجه به قوانین داخلی دولت‌ها، بسته به آنکه قانون چه کشوری بر مسئولیت مدنی حاکم باشد وضعیت‌های متفاوتی پدید خواهد آمد.

به دلیل این اهمیت، مسئله تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی، در نظام‌های شناخته شده حقوقی، مورد بحث و گفتگوی بسیار قرار گرفته و به‌ویژه دادگاه‌های داخلی در ایجاد و استنتاج قواعد آن نقش مهم ایفا کرده‌اند. با این همه، در ایران به دلیل سکوت قانون مدنی و دلایل دیگر، دکتترین و رویه قضایی سهم اندکی به این بحث اختصاص داده اند تا آنجا که غالباً چنین گفته می‌شود که چون مسئولیت مدنی قاعده حل تعارض خاصی ندارد، بنابراین باید در مورد آن قانون محل دادگاه (یعنی قانون ایران) را اعمال کرد. هدف مقاله حاضر، پرداختن به این مسئله است که چرا جستجوی قانون حاکم بر مسئولیت مدنی ضروری است و اینکه، حتی اگر قانون

۱. در عنوان مواد ۳۰۱ و بعد.

۲. نگاه کنید به: کاتوزیان، دکتر ناصر؛ حقوق مدنی، ضمان قهری - مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، ص ۷۴ و قاسم زاده، دکتر مرتضی؛ مبانی مسئولیت مدنی، نشر میزان، ۱۳۸۳، ص ۲۴۹ و بعد.

محل (مقر) دادگاه را حاکم بر مسئولیت مدنی بدانیم، چه تفاوتی دارد که قانون محل دادگاه به دلیل نبود قاعده حل تعارض اعمال شود یا به حکم قاعده حل تعارض. به این ترتیب، پس از بحث در مورد «ضرورت تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی» و بررسی «تحولات تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی»، نهایتاً وضعیت نظام حقوقی ایران را مطالعه و پیشنهاداتی ارائه خواهیم کرد.

ضرورت تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی

اگر سؤال شود که چه ضرورتی وجود دارد که برای مسئولیت مدنی قانون حاکم تعیین شود، پاسخ چیست؟ آیا اگر قانون‌گذار ایران برای احوال شخصی، قراردادهای، اموال و شکل اسناد^۱ قانون حاکم تعیین کرده باید برای مسئولیت مدنی (یا الزامات بدون قرارداد) نیز قانون حاکم تعیین می‌کرد؟ و اگر نکرده آیا سکوت قانون‌گذار را باید نقیصه‌ای تلقی کرد و از طریق رویه قضایی و دکتربین در پی رفع آن برآمد؟ آیا کافی نیست که به ماده ۵ قانون مدنی که متضمن اصل سرزمینی بودن قوانین است، استناد کنیم و هر جا که قانون‌گذار قاعده حل تعارض به ما نداده است، قانون ایران (یعنی قانون محل دادگاه) را اجرا کنیم؟ گروهی از حقوق‌دانان ایرانی همین نظر را ابراز کرده و می‌گویند اگر قانون‌گذار ایران قاعده حل تعارض قوانین در مسئولیت مدنی وضع نکرده، با وجود اصل سرزمینی بودن قوانین، مشکلی هم وجود ندارد، زیرا، قاضی ایرانی قوانین ایران را بر مسئولیت مدنی اعمال می‌کند.^۲ برخی هم،

۱. به ترتیب مواد ۶ و ۷ قانون مدنی در مورد احوال شخصی و مواد ۹۶۸، ۹۶۶ و ۹۶۹ در مورد قراردادهای، اموال و اسناد.
 ۲. یکی از استادان در توضیح ماده ۵ قانون مدنی چنین آورده است: «از مقررات این قانون استفاده می‌شود که اصولاً قانون ایران نسبت به همه اعمال و رفتارهای اشخاص ساکن در ایران اعم از اتباع ایرانی و بیگانه حاکمیت دارد و به جزء در مواردی که صراحتاً در مواد دیگر این قانون نظیر مواد ۹۶۶ و ۹۶۸ استثنا شده در دیگر موارد، اصل بر حاکمیت قانون ایران نسبت به اشخاص ساکن در ایران و اعمال و وقایع تحقق یافته مربوط به آنها است». شهیدی، دکتر مهدی: قواعد ایرانی تعیین قانون حاکم بر قرارداد، اندیشه‌های حقوقی، چ دوم، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۷، ص ۳۱۵؛ نیز نگاه کنید به: ارفع نیا، دکتر بهشید؛ حقوق بین الملل خصوصی (جلد دوم)، انتشارات بهتاب، ۱۳۳۹، ص ۸۴.

همین نظر را به استاد فقید دکتر کاتوزیان نسبت داده اند^۱ به این دلیل که دکتر کاتوزیان در شرح ماده ۵ قانون مدنی گفته‌اند که: «این ماده حاوی اصل محلی بودن قوانین در روابط بین‌المللی است. پس، در مقام رفع تعارض قوانین، هر جا که تردید در اجرای قانون ایران یا خارجی باشد، اصل اجرای قانون ایران درباره ساکنان است»^۲. و از این عبارات کوتاه چنین نتیجه گرفته شده که چون قانون‌گذار در مورد قانون حاکم بر مسئولیت مدنی حکمی ندارد، پس باید به استناد ماده ۵ قانون مدنی، قانون ایران را حاکم بدانیم. اما این استنتاج درست نیست؛ زیرا دکتر کاتوزیان در همان کتاب در توضیح ماده ۹۶۸^۳ - که مربوط به قانون حاکم بر قراردادها است - چنین می‌نویسد: «از ملاک ماده ۹۶۸ بر می‌آید که تعهد ناشی از ایقاع و وقایع حقوقی و ضمان قهری نیز تابع قانون حاکم بر وقوع آن است»^۴. بنابراین، ایشان صریحا معتقدند که قانون حاکم بر تعهدات غیر قراردادی، قانون محل وقوع است.

گروهی دیگر هم در مباحث قواعد حل تعارض در حقوق ایران، مبحث قانون حاکم بر مسئولیت مدنی را به پیروی از قانون‌گذار ایران مسکوت گذاشته‌اند.^۵

اما ما به این سؤال که چه ضرورتی وجود دارد که برای مسئولیت مدنی قانون حاکم تعیین شود، این‌گونه پاسخ می‌دهیم که: همان ضرورتی که ایجاب کرده است که قراردادها، اموال، احوال

۱. الماسی، دکتر نجاد علی و میرحسینی، مجید؛ **حاکمیت اراده در تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در مقررات متحدالشکل روم دو و حقوق ایران**، فصلنامه حقوق خصوصی دانشگاه تهران، ش ۱۷، ۱۳۹۱، ص ۲۱.

۲. کاتوزیان، دکتر ناصر؛ **قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی**، نشر دادگستر، تهران، چ پانزدهم، ۱۳۸۶، ص ۲۸.

۳. ماده ۹۶۸ قانون مدنی: «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر آنکه متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحا یا ضمنا تابع قانون دیگری قرار داده باشند».

۴. همان، ص ۵۷۴.

۵. نگاه کنید به: الماسی، دکتر نجاد علی؛ **حقوق بین‌الملل خصوصی**، نشر میزان، ۱۳۸۲، ص ۲۲۵ و بعد؛ نصیری، دکتر محمد؛ **حقوق بین‌الملل خصوصی**، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۸۰، ص ۱۹۷ و بعد؛ عامری، دکتر جواد؛ **حقوق بین‌الملل خصوصی**، انتشارات آگاه، ۱۳۶۲، ص ۱۷۳.

شخصی و شکل اسناد، قاعده حل تعارض قوانین داشته باشند، همان نیز ایجاب می‌کند که مسئولیت مدنی قاعده حل تعارض قوانین داشته باشد و در سکوت قانون‌گذار، سایر منابع حقوق یعنی رویه قضایی و دکترین باید تکلیف قانون حاکم بر مسئولیت مدنی را روشن کنند. اما ضرورتی که ایجاب کرده است که قراردادها، اموال، احوال شخصی و شکل اسناد قاعده حل تعارض قوانین داشته باشد، آن است که همه رابطه‌های حقوقی حقوق خصوصی می‌توانند در معرض تعارض قوانین قرار گیرند؛ یعنی همان‌گونه که ممکن است در قرارداد عنصر خارجی یافت شود و وجود عنصر خارجی، قرارداد را مستعد اعمال قانون خارجی می‌کند، در احوال شخصی نیز ممکن است عنصر خارجی یافت شود و زمینه اعمال قانون خارجی پیدا کند. در اموال و اسناد نیز وضع به همین منوال است. در مسئولیت مدنی یا الزامات خارج از قرارداد نیز همین‌طور است.

در واقع، اگر به این دو نکته توجه شود که **اولاً**: حقوق خصوصی به‌طور عام و حقوق مدنی به‌طور خاص قلمرو اجرای قواعد و مقررات بین اشخاص خصوصی است و قواعد مربوط به روابط اشخاص خصوصی به‌طور اصولی انعطاف‌پذیرتر از قواعد حقوق عمومی است و **ثانیاً**: قانون‌گذار موافقت اصولی خود را با اجرای قوانین خارجی در حوزه حقوق خصوصی اعلام کرده است، دلیلی وجود ندارد که الزامات بدون قرارداد از دایره تعارض قوانین کنار گذاشته شود. یعنی اگر قرار است روابط حقوقی حقوق خصوصی در قلمرو تعارض قوانین قرار گیرد، دیگر فرقی نمی‌کند که آن رابطه حقوقی، قرارداد باشد یا الزامات بدون قرارداد یا احوال شخصی یا اموال و یا اسناد. همه مباحث حقوق خصوصی در قلمرو تعارض قوانین وارد می‌شوند و بر حسب آنکه چه قاعده‌ای برای حل تعارض قوانین در نظر گرفته شود، گاه قانون خارجی و گاه قانون مقر دادگاه اجرا خواهد شد.

بنابر این، نباید تردید کرد که مسئولیت مدنی نیز نیازمند قاعده حل تعارض خویش است؛ یعنی سکوت قانون‌گذار در این باب معنادار نیست و نباید از آن برداشت شود که مسئولیت مدنی قاعده حل تعارض نمی‌خواهد. پس این سکوت باید از طریق سایر منابع حقوق (دکترین و رویه قضایی) جبران شود.

وانگهی، دلیل سکوت قانون‌گذار بر ما روشن است: قانون مدنی قواعد حل تعارض قوانین را از قانون مدنی فرانسه اقتباس کرده و در آن قانون نیز حکمی در مورد قانون حاکم بر مسئولیت

مدنی نیامده است، شاید به این دلیل که در فرانسه، رویه قضایی قبلاً حکم مسئله را روشن کرده بود. گفته‌اند که قبل از تدوین قانون مدنی و حتی از دوران قرون وسطی دادگاه‌های اروپا مسئولیت مدنی را تابع قانون محل وقوع می‌دانسته‌اند.^۱

تحولات تعیین قانون حاکم: از قانون محل دادگاه تا قانون مورد توافق طرفین

از دلایل پیش‌گفته نتیجه گرفتیم که مسئولیت مدنی (تعهدات بدون قرارداد) همچون سایر موضوعات حقوق مدنی نیاز به قاعده حل تعارض قوانین دارد. اما اینکه این قاعده چه باید باشد، حقوق کشورهای اروپایی از دیر باز مدافع اعمال نظریه قانون محل وقوع فعل زیان‌بار بوده و هست. اما پارلمان اروپا در سال‌های اخیر مقرراتی تصویب کرده است که در آن به طرفین اختلاف اجازه داده تا بتوانند قانون حاکم بر مسئولیت مدنی تعیین کنند. در ایالات متحده نیز ابتدا بر اساس نظریه قانون «محل وقوع فعل زیان‌بار» عمل می‌شده اما بعداً نظریه قانون مناسب جای آن را گرفته است. نظریه دیگری که ظاهراً در برخی نظام‌های حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته، نظریه قانون محل دادگاه است.^۲

قانون محل (مقر) دادگاه

منظور از حاکم بودن قانون محل دادگاه، آن است که قاضی کشوری که در حال رسیدگی به دعوی مسئولیت مدنی است، قانون دولت متبوع خود را بر رابطه حقوقی حاکم کند. یعنی مثلاً اگر کامیون ایرانی در کشور ترکیه موجب زیان دیگری شود و بعداً خواهان در دادگاه ایران طرح دعوی خسارت نماید، قاضی ایرانی بدون توجه به قانون ترکیه و فقط بر پایه قوانین ایران (که محل دادگاه است) باید تشخیص دهد که اولاً: عمل ارتكابی موجب مسئولیت مدنی است یا نه؟ و ثانیاً: آیا شرایط لازم برای تحقق مسئولیت وجود دارد یا نه؟ و نهایتاً شیوه جبران خسارت

1. Mayer, Pierre; Heuze, Vincent; Droit International Prive, Montchrestien, 9eme edit., Paris, 2007, p 510.

۲. سلجوقی، دکتر محمود؛ حقوق بین‌الملل خصوصی (جلد دوم)، چ سوم، نشر میزان، ۱۳۸۵، ش ۴۹۴.

چگونه است. بنابراین، هیچ تفاوتی بین خسارتی که در ترکیه به وقوع پیوسته و خسارتی که مثلاً در شیراز به وقوع پیوسته وجود ندارد.

این نظر با این اشکال روبه‌رو است که بر همه افراد تکلیف می‌کند تا قواعد مسئولیت مدنی همه دولت‌ها را رعایت کنند؛ زیرا، اگر چنین نکنند و دعوی در کشور خارجی علیه آنان مطرح شود ممکن است به موجب قوانین آن کشور مسئول جبران خسارت شناخته شوند. مثلاً همان‌گونه که گفته‌اند اگر تبعه ایرانی در انگلستان مطابق قوانین آن کشور در سمت چپ خیابان رانندگی کند و موجب تصادف با اتومبیل ایرانی دیگر و بروز خسارت به اتومبیل او شود.^۱ آنگاه طرف زیان‌دیده ایرانی در دادگاه ایران طرح دعوا کند، آیا درست است که دادگاه ایران به این دلیل که طبق قوانین ایران، رانندگی از سمت چپ خیابان ممنوع است، خواننده دعوا را به جبران خسارت محکوم کند؟ در واقع، با توجه به تنوع و تعدد نظام‌های حقوقی و تنوع قواعد مربوط به مسئولیت مدنی و اینکه از هرکس بیش از این نمی‌توان انتظار داشت که قواعد مسئولیت مدنی کشوری را که در آن به سر می‌برد رعایت کند، چگونه می‌توان قانون محل دادگاه را در مواردی که فعل زیان‌بار در کشور دیگری رخ داده است، بر مسئولیت مدنی حاکم کرد؟

پس باید پرسید نظریه اعمال قانون محل دادگاه چگونه پدید آمده است؟ به نظر می‌رسد که چون بیشتر مسئولیت‌های غیر قراردادی، مسئولیت‌های ناشی از جرم و شبه جرم است و در حقوق کیفری تردیدی وجود ندارد که جرائم تابع قانون محل دادگاه هستند، پس چنین نتیجه گرفته می‌شود که مسئولیت‌های ناشی از جرم و شبه جرم باید تابع قانون محل دادگاه باشند.

در حقوق فرانسه، بند ۱ ماده ۳ قانون مدنی مقرر کرده است که: «قوانین نظم و تأمین^۳ در مورد همه کسانی که در سرزمین [فرانسه] سکونت دارند اجرا می‌شوند». برخی از این مقررره چنین

۱. همان، ش ۴۹۴.

۲. مسئولیت‌های غیر قراردادی بر پایه مفاهیم اولیه حقوق رم به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. مسئولیت‌های ناشی از جرم و شبه جرم و ۲. مسئولیت‌های ناشی از شبه قرارداد. نگاه کنید به: Mayer, Pierre et Heuze, Vincent; op.cit., n°677.

3. Les lois de police et de sureté.

نتیجه می‌گرفتند که چون قواعد مربوط به مسئولیت ناشی از جرم، از قوانین نظم باید تلقی شوند، پس باید قانون فرانسه بر آنها اجرا شود. بنابراین، مسئولیت مدنی تابع قانون محل دادگاه خواهد بود. اما اگر مسئولیت‌های ناشی از جرم به جای آنکه به حقوق کیفری ملحق شوند، از جنس و سنخ حقوق خصوصی تلقی شوند، باید در قلمرو قواعد حقوق خصوصی در آیند. به نظر می‌رسد که همین طرز تلقی مقبولیت بیشتری یافته است و به همین دلیل کمتر نظام حقوقی را می‌توان یافت که مسئولیت مدنی را از سنخ حقوق کیفری و در نتیجه، تابع قانون محل دادگاه بداند. با این وجود، گفته‌اند که قاعده محل دادگاه طرفدارانی داشته، «چنان که ساوینی حقوق‌دان برجسته آلمانی نیز همین اعتقاد را داشته یا در دوره‌ای از تحول‌های اسلوب تعارض قوانین در ایالات متحده آمریکا به لحاظ آنکه اجرای قانون محل دادگاه را متضمن منفعت دولت می‌دانسته‌اند این قاعده در این زمینه نیز مانند زمینه‌های دیگر طرفداران جدی داشته است»^۱.

اعمال قانون محل دادگاه: به عنوان قاعده حل تعارض قوانین یا به دلیل فقدان قاعده حل تعارض قوانین؟

گفتیم که برخی معتقدند که حل تعارض قوانین در مسئولیت مدنی، اعمال قانون محل دادگاه است. نیز گفتیم که در نظام حقوقی ایران، قاعده حل تعارض برای مسئولیت مدنی پیش‌بینی نشده است و بر این اساس برخی حقوق‌دانان گفته‌اند که در اجرای اصل سرزمینی بودن قوانین (ماده ۵ قانونی مدنی) باید قانون محل دادگاه (که قانون ایران است) را اجرا کنیم. اکنون پرسشی که باید به آن پاسخ داده شود این است که: چه تفاوتی هست بین اینکه بگوییم: چون قاعده حل تعارض وجود ندارد قانون محل دادگاه را اجرا می‌کنیم با آنکه بگوییم که قاعده حل تعارض وجود دارد و آن اجرای قانون محل دادگاه (ماده ۵ قانون مدنی) است؟ در هر دو

عبارت «قوانین نظم و تأمین»، نه در جای دیگری به کار رفته و نه قانون فرانسه آن را تعریف کرده است و بر خلاف اصطلاح «نظم عمومی» که در ماده ۶ همان قانون به کار رفته، بعدها متروک شده است. یکی از استادان به نام فرانسوی دلیل این امر را ابهام زیاد در مفهوم آن دانسته است. نگاه کنید به: Mayer, Pierre et Heuze, Vincent, op.cit., no121, note 32.

۱. سلجوقی، دکتر محمود؛ پیشین، ش ۴۹۴.

صورت نتیجه یکی است و آن اعمال قانون محل دادگاه است. پس آیا بهتر نیست که قاعده ماده ۵ قانون مدنی را یک قاعده حل تعارض قوانین بدانیم و مشکل را حل کنیم؟ اتفاقاً استاد فقید دکتر کاتوزیان - همان گونه که اشاره کردیم - در توضیح ماده ۵ نوشته‌اند که ماده ۵ «در مقام رفع تعارض قوانین» است.

به این پرسش چنین پاسخ می‌دهیم که **اولاً**: ماده ۵ قانون مدنی یک قاعده حل تعارض قوانین به معنای خاص نیست. زیرا، قاعده حل تعارض قوانین، ویژگی «دو سویه» بودن دارد؛ یعنی قاعده‌ای است که اعمال آن گاه منجر به اجرای قانون مقر دادگاه و گاه منجر به اجرای قانون خارجی می‌شود. مثلاً وقتی می‌گوییم «احوال شخصی تابع قانون دولت متبوع است»، این یک قاعده دوسویه است، یعنی اگر فرد تابعیت ایرانی داشته باشد، قانون ایران اجرا می‌شود و اگر تابعیت خارجی داشته باشد قانون خارجی اجرا خواهد شد. اما ماده ۵ قانون مدنی (همچنان که ماده ۸ همان قانون) قاعده یک سویه است؛ یعنی اعمال آن فقط منجر به اجرای قانون مقر دادگاه می‌شود و هیچ‌گاه موجب اعمال قانون خارجی نمی‌شود. برای مسئولیت مدنی باید قاعده‌ای مانند آنچه در مورد اموال یا قراردادهای اسناد وجود دارد در نظر گرفته شود نه آنکه به دلیل فقدان قاعده حل تعارض، به اصل سرزمینی بودن قوانین استناد شود و از آن قاعده حل تعارض برای مسئولیت مدنی استنتاج شود.^۱

ثانیاً: اینکه یک بخش از مباحث حقوقی (یعنی مسئولیت مدنی) بدون قاعده حل تعارض باقی بماند موجه نیست و اگر فرضاً بپذیریم که با تکیه بر ماده ۵ می‌توانیم تکلیف قضیه را روشن کنیم معنایش آن نیست که قاعده حل تعارض مسئولیت مدنی را یافته‌ایم بلکه فقط تکلیفی برای قضیه روشن کرده‌ایم.

ثالثاً: در مورد نظر استاد کاتوزیان، همان گونه که قبلاً اشاره کردیم، ایشان در توضیح ماده ۹۶۸ قانون مدنی، مسئولیت مدنی (تعهد ناشی از ایقاع و ضمان قهری) را با أخذ ملاک از همان ماده

۱. البته این نظر نیز وجود دارد که قواعد حل تعارض قوانین می‌تواند یک سویه یا دو سویه باشد و بر این اساس ماده ۵ قانون مدنی یک قاعده حل تعارض یک سویه است. از جمله، نگاه کنید به: شیخ الاسلامی، سید محسن؛ **حقوق بین الملل خصوصی**، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۴، ص ۱۰۹.

تابع قانون محل وقوع عقد دانسته نه تابع قانون محل دادگاه (ایران). ایشان در ذیل ماده ۵ یک نظر عام مطرح کرده‌اند ولی در ذیل ماده ۹۶۸ یک نظر خاص آورده‌اند.

قانون محل وقوع عمل زیان بار

از ایراداتی که قبلاً در مورد نظریه قانون محل دادگاه مطرح کردیم آشکار می‌شود که مسئولیت مدنی اصولاً باید تابع قانون محل وقوع عمل زیان بار باشد. یعنی مثلاً دادگاه ایران نباید کسی را به خاطر ارتکاب عملی که در کشور محل وقوع، مسئولیت‌زا نیست مسئول بشناسد. گفته‌اند^۱ که در اروپا، رویه قضایی و دکترین از قرون وسطی تاکنون قانون محل وقوع^۲ را بر مسئولیت‌های مدنی ناشی از جرم و شبه جرم حاکم می‌دانند. در فرانسه نیز رویه قضایی در آرای لوتور^۳ و لوکانتونی^۴ در سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۷۶ بر این امر تأکید کرده است.^۵ حقوق‌دانان اروپایی دلایل متعددی آورده‌اند که چرا باید قانون محل وقوع را اعمال کرد: یکی اینکه قانون محل وقوع، نسبت به بعضی گزینه‌های دیگر- مانند قانون دولت متبوع زیان دیده یا قانون دولت متبوع عامل زیان- بی‌طرفانه‌تر است. دیگر آنکه آثار جرم و شبه جرم به دولتی می‌رسد که عمل در قلمرو او رخ داده است. و سوم اینکه، غالباً چنین است که دعوی مسئولیت مدنی در دادگاه‌های محل وقوع مطرح می‌شود و بنابراین قانون کشور محل وقوع و کشور رسیدگی کننده، یکی می‌شود.^۶

همچنین کنوانسیون‌های لاهه ۱۹۷۱ و ۱۹۷۳ نیز اجرای قانون محل وقوع را پذیرفته‌اند: کنوانسیون ۱۹۷۱ لاهه مربوط به قانون قابل اجرا درباره مسئولیت مدنی ناشی از حادثه رانندگی جاده‌ای^۷ است. ماده ۳ کنوانسیون تصریح کرده است که: «قانون قابل اجرا قانون دولتی است که حادثه در سرزمین آن رخ داده است».^۸ کنوانسیون ۱۹۷۳ لاهه در مورد مسئولیت مدنی ناشی از

1. Mayer, Pierre et Heuze, Vincent; op.cit., no 678.

2. Lex loci delicti.

3. Lautour, 25 mai 1948, cité par Gutmann, Daniel, Droit international privé, Dalloz, 2009, p 211.

4. Luccantoni, Ibid.

5. Mayer, Pierre et Heuze, Vincent; op. et loc. cit.

6. Ibid.

7. Convention of 4 May 1971 on the Law Applicable to Traffic Accidents.

8. "The applicable law is the internal law of the State where the accident occurred".

عمل تولید^۱ است. ماده ۴ کنوانسیون، قانون کشور محل وقوع عمل زیان بار را حاکم دانسته به شرط آنکه یا شخص زیان دیده مقیم آن کشور باشد و یا اقامتگاه خوانده در آن کشور باشد و یا زیان دیده محصول را در آن کشور به دست آورده باشد.^۲

مناسب است یادآوری کنیم که «کنوانسیون بین‌المللی درباره مسئولیت مدنی برای خسارت آلودگی نفت سوخت کشتی» سال ۲۰۰۱ میلادی و مصوب ۱۳۸۹/۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی ضمن آنکه تلاش نموده که قواعد ماهوی در اختیار دادگاه‌های دولت‌های عضو قرار دهد، در نهایت مسئولیت مدنی موضوع کنوانسیون را تابع قوانین داخلی قرار داده است.

در حقوق انگلستان بند ۱ ماده ۱۱ (بخش ۳) قانون حقوق بین‌الملل خصوصی^۳ مصوب ۱۹۹۵، قاعده کلی قانون محل وقوع عمل زیان بار را پذیرفته است.^۴ ماده ۳۱۲۶ قانون مدنی کبک (کانادا) نیز مقرر می‌کند که تعهد جبران خسارت تابع قانون دولتی است که فعل زیان بار در قلمرو آن رخ داده است.^۵

البته ماده ۴ همان کنوانسیون در شرایط کاملا ویژه‌ای قانون دولتی را که اتومبیل در آن ثبت شده صلاحیت‌دار می‌شناسد.

1. Convention of 2 October 1973 on the Law Applicable to Products Liability.
2. Article 4. The applicable law shall be the internal law of the State of the place of injury, if that State is also -
 - a) the place of the habitual residence of the person directly suffering damage, or b) the principal place of business of the person claimed to be liable, or c) the place where the product was acquired by the person directly suffering damage.
3. Private International Law (Miscellaneous Provisions) Act 1995.
4. (1) The general rule is that the applicable law is the law of the country in which the events constituting the tort or delict in question occur.
 - (2) Where elements of those events occur in different countries, the applicable law under the general rule is to be taken as being—
 - (a) for a cause of action in respect of personal injury caused to an individual or death resulting from personal injury, the law of the country where the individual was when he sustained the injury;
 - (b) for a cause of action in respect of damage to property, the law of the country where the property was when it was damaged; and
 - (c) in any other case, the law of the country in which the most significant element or elements of those events occurred.
 - (3) In this section “personal injury” includes disease or any impairment of physical or mental condition.
5. Article 3126. L'obligation de réparer le préjudice causé à autrui est régie par la loi de l'État où le fait générateur du préjudice est survenu. Toutefois, si le préjudice est

دشواری‌های تعیین محل وقوع عمل زیان‌بار

گاه تشخیص محل وقوع عمل زیان‌بار با دشواری‌هایی روبه‌رو می‌شود. در این مورد دو وضعیت را باید از هم جدا کرد: **وضعیت اول** مربوط به مواردی است که اساساً فعل زیان‌بار در خارج از قلمرو حاکمیت دولت‌ها (قلمروهای بدون حاکمیت)^۱ مثلاً در دریای آزاد رخ می‌دهد و بنابراین این اعمال قانون دولت محل وقوع بی معنا می‌شود. گفته‌اند که در این موارد، قاضی باید به جای قاعده محل وقوع، قاعده محل دادگاه را اجرا کند^۲؛ زیرا، همان‌گونه که قبلاً نیز گفته‌ایم اصولاً هرگاه اعمال قاعده حل تعارض قوانین با مشکل مواجه شود، قانون محل دادگاه جایگزین آن خواهد شد. همچنین در مواردی نیز که نمی‌توان مشخص کرد که عمل زیان‌بار در کجا رخ داده مانند آن است که در خارج از قلمرو دولت‌ها اتفاق افتاده باشد، مثل اینکه دو هواپیما در جایی در آسمان برخورد کنند که نتوان مشخص کرد که در قلمرو حاکمیت کدام دولت بوده است. البته در مصادیقی مانند برخورد دو کشتی در دریای آزاد یا دو هواپیما در آسمان، اگر هر دو کشتی یا هواپیما حامل پرچم یک کشور باشند، دادگاه می‌تواند قانون پرچم را اجرا کند، همچنان‌که اگر محل وقوع فعل زیان‌بار داخل کشتی یا هواپیما باشد باز قانون پرچم می‌تواند اجرا شود^۳.

وضعیت دوم مربوط به مواردی است که «جایابی» محل وقوع آسان نیست. مثلاً هنگامی که کسی در کشوری مرتکب عمل زیان‌بار شده ولی ضرر و زیان آن عمل در کشور دیگر به وقوع می‌پیوندد، محل وقوع فعل زیان‌بار چگونه باید تعیین شود؟ یا اینکه کشتی در آب‌های انگلستان دچار آسیب می‌شود ولی در کشورهای دیگر نیز خساراتی پدید می‌آید. دیوان کشور فرانسه بر این نظر است که در مواردی که نمی‌توان محل وقوع عمل زیان‌بار را به‌طور قطعی تعیین کرد، دادگاه باید قانون کشوری را اجرا کند که بیشترین ارتباط با عمل زیان‌بار را داشته باشد.^۴ رویه قضایی دادگاه‌های

apparu dans un autre État, la loi de cet État s'applique si l'auteur devait prévoir que le préjudice s'y manifesterait. Dans tous les cas, si l'auteur et la victime ont leur domicile ou leur résidence dans le même État, c'est la loi de cet État qui s'applique.

1. Espaces sans souverainetés.

۲. سلجوقی، دکتر محمود؛ پیشین، ش ۴۹۵.

۳. همان.

۴. رأی ۳ ژوئن ۲۰۰۴ و ۲۵ ژانویه ۲۰۰۷، به نقل از Gutmann, Daniel, op. cit., p215.

انگلستان بر حسب آنکه عمل زیان‌بار ناشی از سهل‌انگاری یا افترا یا امور دیگر باشد راهکارهای جداگانه‌ای ارائه کرده است. مثلاً در رأی *Bata v. Bata* که خواننده دعوا نامه افترا آمیزی را از شهر زوریخ (سوئیس) به لندن پست کرده بود، دادگاه، کشور سوئیس را به‌عنوان محل وقوع شناخت.^۱ اما ماده ۳۱۲۶ قانون مدنی کبک (کانادا)، که به آن اشاره کردیم، مقرر کرده که «تعهد جبران خسارت به دیگری تابع قانون دولتی است که عمل مسئولیت‌زا در قلمرو آن رخ داده است. با وجود این، هرگاه زیان در قلمرو دولت دیگری پدید آید، در صورتی که مرتکب می‌توانسته پیش‌بینی کند که آن زیان در آنجا ظاهر خواهد شد، قانون آن دولت اجرا خواهد شد». یکی از استادان کانادایی در توضیح این مقررده گفته است که باید دید که اگر یک شخص منطقی در شرایط مرتکب می‌بود، وقوع زیان را در نظر می‌گرفت یا نه.^۲

قانون مناسب

در حقوق آمریکا به‌طور سنتی قانون محل وقوع عمل زیان‌بار اعمال می‌شده است. اما برخی حقوق‌دانان آمریکایی در دهه ۵۰ میلادی نظریه قانون مناسب^۳ را مطرح کرده‌اند و از آن پس به عنوان قاعده حل تعارض پذیرفته شده است. به نظر آنان، در مورد هر ضرر و زبانی که کسی به دیگری وارد می‌کند دادگاه باید با توجه به مجموعه اوضاع و احوال و عوامل مؤثر در پدید آمدن خسارت، مناسب‌ترین قانون را بیابد. مثلاً در یک حادثه رانندگی دادگاه باید علاوه بر محل وقوع حادثه، تابعیت و اقامتگاه طرفین و محل ثبت وسیله نقلیه را مورد نظر قرار دهد و نهایتاً قانون مناسب را پیدا کند.^۴

دیوان عالی ایالت نیویورک در یک رأی مشهور، قاعده سنتی محل وقوع عمل زیان‌بار را کنار گذاشت و قانون محل اقامت طرفین دعوا را به‌عنوان قانون مناسب اعمال کرد. این رأی موجب

1. Cheshire & North's, Private International Law, eleventh edition, Butterworths, London, 1987, p 542.

2. C. Emanuelli, Droit international privé québécois, Montreal, Wilson & Lafleur, 2001, para. 529, note 13.

3. Properlaw.

۴. سلجوقی، دکتر محمود؛ پیشین، ش ۴۹۶.

شد که دادگاه‌های آمریکا در مواردی که طرفین دعوای مسئولیت مدنی در یک کشور اقامتگاه داشته باشند، قانون اقامتگاه را به عنوان قاعده حل تعارض قوانین در نظر بگیرند.^۱

قانون مورد توافق طرفین

گفتیم که در قراردادها طرفین می‌توانند قانون حاکم بر قرارداد خود را تعیین کنند. اما در مورد مسئولیت مدنی چطور؟ آیا طرفین می‌توانند قانون حاکم بر مسئولیت مدنی تعیین کنند؟ در مسئولیت مدنی، فرض آن است که قراردادی وجود ندارد بلکه عمل (یا ترک عمل) یک شخص موجب زیان به دیگری شده است. در واقع، قبل از پدید آمدن مسئولیت مدنی، اصولاً طرفینی وجود ندارد که با یکدیگر توافق کنند؛ شخصی با اتومبیل در حال حرکت است، ناگهان از مسیر منحرف می‌شود و در و دیوار مغازه‌ای را تخریب می‌کند و دعوای مسئولیت مدنی شکل می‌گیرد. تازه از اینجا است که «طرفین» به وجود می‌آید، اما باز نه «طرفین قرارداد» بلکه «طرفین اختلاف». اکنون می‌توان پرسید که آیا «طرفین اختلاف» می‌توانند در مورد قانون حاکم بر مسئولیت مدنی توافق کنند؟ حق این است که اگر دعوای مسئولیت مدنی، دعوای حقوق خصوصی است چرا نباید طرفین بتوانند بر قانون حاکم بر مسئولیت مدنی توافق کنند؟ مگر دعوای مسئولیت مدنی دعوای جبران خسارت نیست؟ آیا قواعد مسئولیت مدنی یعنی قواعد مربوط به اصل مسئولیت و جبران خسارت از قواعد امری تلقی می‌شوند؟ یعنی نمی‌شود برخلاف آنها توافق کرد؟ اگر چنین است، چگونه نظام‌های مختلف حقوقی پذیرفته‌اند که «قانون محل وقوع» حاکم بر مسئولیت مدنی باشد؟ اگر می‌توان پذیرفت که قانونی غیر از قانون محل دادگاه بر مسئولیت مدنی حاکم باشد، نیز می‌توان پذیرفت که طرفین اختلاف، خود بتوانند قانون حاکم بر مسئولیت مدنی را تعیین کنند.

۱. نگاه کنید به: صالحی ذهابی، جمال؛ **مسئولیت مدنی و قانون حاکم بر آن در تعارض قوانین**،

مجله صنعت بیمه، پاییز ۱۳۸۱. ش ۶۷، ص ۵.

گاه گفته می‌شود که قانون محل وقوع عمل زیان‌بار از آن جهت حاکم می‌شود که بیشتر مسئولیت‌های مدنی، ناشی از جرم و شبه جرم است و چون جرائم تابع قانون محل وقوع هستند بنابراین مسئولیت مدنی تابع قانون محل وقوع خواهد شد.

اما این سخن صحیح نیست؛ زیرا، گزاره «جرائم تابع قانون محل وقوع هستند» درست نیست. در واقع، جرائم تابع قانون محل دادگاه هستند نه تابع قانون محل وقوع. اگر بگوییم که جرائم تابع قانون محل وقوع هستند معنایش آن است که اگر یک ایرانی در روسیه مرتکب قتل شود و به ایران بگریزد و در دادگاه محاکمه شود، دادگاه ایران باید مطابق قوانین روسیه به جرم وی رسیدگی کند. در صورتی که چنین نیست و دادگاه‌های همه کشورها در رسیدگی به جرائم تنها قانون خود را اجرا و حاکم می‌کنند نه قانون محل وقوع را. همان‌گونه که قبلاً اشاره کردیم، اجرای قانون محل وقوع در مورد مسئولیت‌های مدنی به دلیل آن است که هر کسی در قلمرو کشوری به سر می‌برد اصولاً تلاش می‌کند تا قواعد مسئولیت‌زای همان کشور را رعایت کند نه قواعد مسئولیت‌زای کشورهای دیگر را و نمی‌توان از کسی انتظار داشت که قواعد مسئولیت آفرین همه دولت‌ها را رعایت کند تا نکند در کشوری دعوی مسئولیت مدنی علیه او مطرح شود. کوتاه اینکه اگر مسئولیت مدنی و قواعد آن در قلمرو حقوق خصوصی هستند، اصولاً باید قواعد حقوق خصوصی در مورد آن اجرا شود. نفوذ حاکمیت اراده در دعوی حقوق خصوصی، به‌ویژه در مسئله ضرر و زیان و جبران خسارات جای تردید و تأمل ندارد.

با وجود این، تنها در معدودی از کشورهای اروپایی مانند سوئیس، آلمان و بلژیک، آن هم پس از دهه ۷۰ میلادی، و فقط در مورد مسئولیت‌های پدید آمده پس از وقوع فعل زیان‌بار، حاکمیت اراده برای تعیین قانون حاکم پذیرفته شده بود.^۱

اما قانون‌گذاری‌های جدیدتر نفوذ حاکمیت اراده در مسئولیت‌های مدنی را به رسمیت شناخته‌اند: پارلمان اروپا و شورای اروپا در سال ۲۰۰۷^۲ مقرراتی در مورد «قانون حاکم بر تعهدات غیر قراردادی» که «مقررات رم ۲» نامیده شده تصویب کرده‌اند که از ۱۱ ژانویه ۲۰۰۹ در مورد

۱. الماسی، دکتر نجاد علی و میرحسینی، مجید؛ پیشین، ص ۶.

۲. مقررات شماره ۸۶۴/۲۰۰۷ پارلمان اروپا و ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۷ شورای اروپا.

اعمال ارتكابی از ۱۹ اوت ۲۰۰۷ لازم الاجرا شده و به طرفین دعوی مسئولیت مدنی اختیار داده تا بتوانند قانون حاکم بر مسئولیت را تعیین کنند. ماده ۱۴ این مقررات پیش‌بینی کرده است که طرفین می‌توانند پس از وقوع عمل زیان‌بار در مورد قانون حاکم بر مسئولیت توافق کنند و نیز پیش از وقوع عمل زیان‌بار، مشروط به اینکه هر دو فعالیت بازرگانی داشته باشند در مورد قانون حاکم بر مسئولیت تراضی کنند. البته انتخاب قانون باید صریح باشد و یا به نحو قطعی از اوضاع و احوال استنباط شود و نباید به حقوق اشخاص ثالث آسیب وارد آورد. در عین حال باید خاطر نشان کرد که مقررات رم ۲ به قانون دولتی که رابطه حقوقی با آن ارتباط تنگاتنگ دارد اهمیت داده و مقرر کرده است که قانون حاکم نباید با قواعد آمره آن کشور معارض باشد حتی اگر طرفین قانون دیگری انتخاب کرده باشند.^۱ اما در صورتی که طرفین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی تعیین نکرده باشند، مسئولیت مدنی ناشی از عمل زیان‌بار تابع قانون کشور محل وقوع است (ماده ۱-۴). با وجود این، هرگاه اقامتگاه عامل زیان و زیان‌دیده، در زمان وقوع زیان، هر دو در یک کشور باشد، قانون همان کشور اجرا خواهد شد. (ماده ۲-۴).

نظام حقوقی ایران

هرچند قانون مدنی در مورد قانون حاکم بر مسئولیت مدنی ساکت است؛ اما در سال‌های اخیر موافقت‌نامه‌هایی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده که قانون حاکم بر مسئولیت مدنی تعیین کرده‌اند. این موافقت‌نامه‌های دو جانبه که مربوط به همکاری‌های قضایی است و هریک جداگانه بین ایران و دولت‌های روسیه، آذربایجان، قرقیزستان و قزاقستان امضا و تصویب شده، «مسئولیت جبران خسارات» را تابع قانون محل وقوع می‌دانند.^۲

1. Gutmann, Daniel, op. cit., p 212.

۲. البته شمار موافقت‌نامه‌های همکاری قضایی زیاد است و تاکنون بالغ بر ۴۵ موافقت‌نامه در زمینه همکاری قضایی با دولت‌های مختلف تصویب شده است. اما از میان آنها ظاهراً فقط همین چهار موافقت‌نامه مقرراتی در مورد قانون حاکم بر مسئولیت جبران خسارت دارند و بقیه در این مورد مقرره‌ای ندارند. نگاه کنید به: شریعت باقری، محمد جواد؛ مقدمه مجموعه « موافقت‌نامه‌های همکاری حقوقی و قضایی میان ایران و دیگر دولت‌ها»، از انتشارات دانشگاه علوم قضایی، چ اول، ۱۳۹۴.

به موجب بند ۱ ماده ۳۴ «قانون موافقت‌نامه میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه جهت معاضدت در پرونده‌های مدنی و جزایی» مصوب ۱۳۷۸/۷/۱۸ مجلس شورای اسلامی:

«مسئولیت جبران خسارات به استثنای تعهدات ناشی از قراردادهای و سایر اقدامات حقوقی، توسط قوانین آن طرف متعاهدی که عمل یا شرایطی که موجب مسئولیت جبران خسارت شده است در خاک آن به وقوع پیوسته تعیین می‌شود».

شبهه به همین مقرر در بند ۱ ماده ۳۰ «قانون موافقت‌نامه معاضدت قضایی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان» مصوب ۱۳۷۸/۷/۱۸ تکرار شده است: «مسئولیت جبران خسارات و سایر حقوق راجع به آن به استثنای تعهدات ناشی از عقود و قراردادهای را قوانین آن طرف متعاهدی که فعل یا ترک فعل یا دیگر اسباب مسئولیت در قلمرو آن وقوع یافته، تعیین می‌کند».

در ماده ۲۴ «قانون موافقت‌نامه، معاضدت و روابط قضایی در موضوعات مدنی و جزایی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان» مصوب ۱۳۸۴/۷/۲۶: «مسئولیت جبران خسارت به استثنای تعهدات ناشی از عقود و قراردادهای را قوانین آن طرف متعاهدی که فعل یا ترک فعل یا دیگر اسباب موجب مسئولیت در قلمرو آن وقوع یافته، تعیین می‌کند».

در بند ۱ ماده ۲۶ «قانون موافقت‌نامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و جزایی میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قرقیزستان» مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۲۴: «مسئولیت و نحوه جبران خسارت اتباع یک طرف متعاهد در قلمرو طرف متعاهد دیگر و سایر حقوق راجع به آن، به استثنای تعهدات ناشی از عقود و قراردادهای را قوانین آن طرف متعاهدی که فعل یا ترک فعل یا دیگر اسباب موجب مسئولیت در قلمرو آن وقوع یافته، تعیین می‌کند».

با وجود اینکه این موافقت‌نامه‌ها در روابط دو جانبه بین ایران و دولت‌های معینی امضا و تصویب شده‌اند، اما از ملاک آنها می‌توان برداشت کرد که قانون‌گذار ایران، حاکم شدن قانون محل وقوع را می‌پذیرد؛ زیرا، دلیلی وجود ندارد که قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در روابط با روسیه،

آذربایجان، قرقیزستان و قزاقستان قانون محل وقوع عمل زیان‌بار باشد ولی مثلاً در رابطه با ترکیه یا امارات یا کشورهای دیگر، قانون محل دادگاه اعمال شود.

به هر تقدیر، از آنجا که تنها منبع حقوق قانون نیست برای یافتن پاسخ نظام حقوقی ایران باید از دکتترین و رویه قضایی نیز مدد جست. اما در آنچه که مربوط به دکتترین است دو استاد برجسته حقوق ایران در حاشیه‌هایی که بر ماده ۹۶۸ قانون مدنی نوشته‌اند مختصراً اعلام کرده‌اند که مسئولیت مدنی تابع قانون محل وقوع است. استاد دکتر جعفری لنگرودی در حاشیه ماده ۹۶۸ قانون مدنی چنین نوشته‌اند: «در خارج عقود، تعهدات محکوم است به قانون محلی که منشا تعهد در آن پدید آمده باشد».^۱ استاد فقید دکتر کاتوزیان نیز در توضیح ماده ۹۶۸ قانون مدنی نوشته‌اند که: «از ملاک ماده ۹۶۸ بر می‌آید که تعهد ناشی از ایقاع و وقایع حقوقی و ضمان قهری نیز تابع قانون حاکم بر وقوع آن است».^۲

اما استنباط این استادان از ماده ۹۶۸ مبتنی بر آن است که بگوییم این ماده دلالت بر حکومت قانون محل وقوع دارد. در صورتی که در جای دیگری نشان داده‌ایم که ماده ۹۶۸ باید بر خلاف منطوق آن تفسیر شود تا با اصل حاکمیت اراده سازگار در آید و گفتیم که در تنظیم ماده ۹۶۸ قانون مدنی، که قراردادهای تابع قانون محل انعقاد می‌داند، اشتباهی رخ داده است. زیرا، قراردادهای تابع قانون مورد توافق طرفین باشند نه قانون محل وقوع. و گفتیم که می‌توان از اختیاری که ذیل ماده به اتباع خارجه داده الغای خصوصیت کرد و حکم اتباع خارج را با اتباع داخل یکسان دانست. به این ترتیب، ماده ۹۶۸ دیگر بر اجرای قانون محل انعقاد عقد دلالت نخواهد کرد.^۳

به عبارت دیگر، فرض استادان ما این است که ماده ۹۶۸ بر حکومت قانون محل وقوع عقد دلالت دارد، پس از ملاک آن می‌توان نتیجه گرفت که «در خارج عقود» یا «ضمان قهری»،

۱. جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر؛ مجموعه محشای قانون مدنی (علمی، تطبیقی، تاریخی)، گنج دانش، ۱۳۸۲، چ دوم، ص ۴۹۷.

۲. کاتوزیان، دکتر ناصر؛ قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ص ۵۷۴.

۳. نگاه کنید به: شریعت باقری، دکتر محمدجواد؛ حاکمیت اراده بر قراردادهای بین‌المللی خصوصی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۵۸، ۱۳۹۱، ص ۱۳۳.

قانون محل وقوع، حاکم باشد. اما اگر ما فرض مزبور را نپذیرفته باشیم چنان نتیجه‌ای نیز از آن نخواهیم گرفت.

اما رویه قضایی هم به نوبه خود کمتر به مسئله پرداخته است. شاید به این دلیل که در سکوت قانون، قضات احساس می‌کنند که چاره‌ای جزء اجرای قانون ایران ندارند. شاید هم فراوانی دعاوی چندان نبوده است تا مباحث فراگیری مطرح شود و شاید ضعف در انتشار آراء و یا جستجوی ناکافی این نویسنده علت آن باشد. به هر حال، همین اندازه که اکنون نمی‌توان از روی آرای انتشار یافته یا آثار حقوق دانان، سخن از موضع رویه قضایی به میان آورد، به معنای نقص در تحقق رویه قضایی است.

با وجود اینها، یکی از آرای که در دسترس است و به قانون حاکم بر مسئولیت مدنی پرداخته رأی مهم و طولانی شعبه ۵۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران در دادنامه مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۵ است. این رأی که در نوع خود کم مانند و آکنده از نقطه‌نظرات حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق بین‌الملل خصوصی است، مربوط به دعوی یک شهروند ایرانی علیه دولت ایالات متحده است که در اجرای قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی^۱ صادر شده است. شعبه ۵۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران در قسمتی از این رأی به مسئله قانون حاکم بر مسئولیت مدنی پرداخته و نهایتاً چنین نتیجه گرفته است که قانون حاکم بر مسئولیت مدنی قانون محل وقوع زیان بار است. زنجیره استدلال دادگاه این است که اولاً: قانون‌گذار ایران در مورد قانون حاکم بر الزامات خارج از قرارداد سکوت کرده است. ثانیاً: اصل ۱۶۷ قانون اساسی قاضی را مکلف کرده است که حکم قانونی را بیابد. ثالثاً: چون رویه قضایی از منابع حقوقی ایران است پس برای دادگاه‌های ایران تکلیف ایجاد شده است که قاعده مورد نیاز را پیدا کنند. رابعاً: با توجه به اشتراک نظر میان حقوق کشورهای مختلف، قاعده محل واقعه فعل زیان بار قاعده مورد قبولی است. خامساً: «از وحدت ملاک ماده ۹۶۸ قانون مدنی بر می‌آید که تعهد ناشی از وقایع حقوقی و ضمان قهری نیز تابع قانون حاکم بر محل وقوع آن باشد».

۱. مصوب ۱۳۹۰/۱۲/۱۷ مجلس شورای اسلامی، نگاه کنید به:

<http://rooznamehrasmi.ir/Laws/ShowLaw.aspx?Code=715>

رأی شعبه ۵۵ از زوایای مختلف قابل تحسین است: **اول** اینکه، اساسا به مسئله لزوم تعیین قانون حاکم برای الزامات بدون قرارداد توجه کرده است. **دوم** اینکه، به این استدلال ساده بسنده نکرده است که چون قانون‌گذار برای قانون حاکم بر قرارداد حکمی تعیین نکرده است، پس مطابق اصل سرزمینی بودن قوانین، خود به خود قانون ایران باید اجرا شود. دادگاه در واقع به درستی توجه یافته است که فقدان قاعده حل تعارض، نقیصه‌ای است که باید برطرف شود. **سوم** اینکه، دادگاه به اهمیت و نقش رویه قضایی در ایجاد قاعده توجه داشته و تلاش نموده که نقش خود را ایفا نماید. **چهارم** اینکه، دادگاه در تلاش برای ایجاد قاعده به حقوق تطبیقی نیز استناد کرده است.

در عین حال، اشاره به چند نکته نیز ضروری است: **یکی** آنکه از استدلال دادگاه چنین به دست می‌آید که پیش از آن دادگاه‌های دیگر در مورد قانون حاکم بر الزامات بدون قرارداد رأیی صادر نکرده یا لاقلاً رویه‌ای ایجاد نکرده‌اند و الا شعبه ۵۵ باید به آن اشاره می‌کرد. **دوم** آنکه، استدلال به اصل ۱۶۷ قانون اساسی که قاضی را موظف کرده است حکم دعوا را در قوانین مدون بیابد و نباید به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا ابهام از رسیدگی استنکاف کند، ممکن است مورد ایراد قرار گیرد و گفته شود که دادگاه می‌تواند مطابق ماده ۵ قانون مدنی (که اصل سرزمینی بودن قوانین است) به موجب قانون ایران حکم صادر کند. حلقه مفقوده در واقع، اثبات سکوت قانون‌گذار است. یعنی چگونه گفته می‌شود که قانون‌گذار سکوت کرده است در حالی که اصل سرزمینی بودن قوانین وجود دارد؟ مسئله اصلی همین است که اصولاً چرا باید الزامات بدون قرارداد، قاعده حل تعارض داشته باشند؟

سوم همان‌گونه که پیشتر اشاره کردیم در صورتی می‌توان از وحدت ملاک ماده ۹۶۸ قانون مدنی (که مربوط به قانون حاکم بر قراردادهاست) نتیجه گرفت که قانون حاکم بر الزامات بدون قرارداد، قانون محل وقوع است که این امر مسلم دانسته شود که ماده ۹۶۸ دلالت بر قانون محل وقوع دارد. اما با وجود ظاهر ماده، ما در گذشته به این نتیجه رسیدیم که باید از ظاهر آن عدول کرد و قراردادها را نه تابع قانون محل وقوع، بلکه تابع قانون مورد تراضی طرفین دانست و گفتیم- و دیگران نیز گفته‌اند- که در تنظیم ماده ۹۶۸ اشتباهی رخ داده است که باید از ظاهر آن درگذشت.

نهایتاً چنین به نظر می‌رسد که **اولاً:** مسئولیت مدنی که از مباحث حقوق خصوصی است، نیازمند قاعده حل تعارض قوانین است. **ثانیاً:** ماهیت مسئولیت مدنی ایجاب می‌کند که به طرفین اختلاف حق داده شود که بتوانند قانون حاکم بر دعوای خود را انتخاب کنند. **ثالثاً:** در فقدان توافق طرفین، بهترین گزینه، قانون محل وقوع است؛ به این دلیل که معقول نیست که کسی که در قلمرو دولت ترکیه به سر می‌برد و مطابق قوانین آن کشور عمل می‌کند و مراقبت دارد که مرتکب عمل زیان‌آور نشود، در کشور ایران به دلیل ارتکاب فعل زیان‌آور مسئول شناخته شود. و بالعکس، هرگاه در کشور ترکیه مرتکب عملی شده که مطابق قوانین آن کشور مسئولیت‌آور است، قاضی ایرانی به دلیل آنکه آن عمل در قانون ایران مسئولیت‌آور نیست او را از مسئولیت معاف کند. اگر چنین باشد، هرکس که در هر کشوری به سر می‌برد باید همواره مراقبت کند که فعل یا ترک فعل وی در کشورهای دیگر موجب مسئولیت مدنی نباشد. افزون بر این، دعوای مسئولیت مدنی غالباً در کشوری مطرح می‌شود که عمل زیان‌بار در آن رخ داده است.

نتیجه‌گیری

۱. همه مباحث حقوق خصوصی (مدنی) در چرخه تعارض قوانین قرار می‌گیرند؛ چه اشخاص، چه اموال، چه قراردادهای و چه مسئولیت‌های مدنی که الزامات بدون قرارداد هستند. این سخن به آن معنا است که هر یک از این دسته‌ها نیاز به قاعده حل تعارض قوانین دارند.
 ۲. سکوت قانون‌گذار ایران در مورد قانون حاکم بر مسئولیت مدنی به معنای آن نمی‌تواند باشد که مسئولیت مدنی نیاز به قاعده حل تعارض نداشته است. بنابراین دکتترین و رویه قضایی می‌توانند و باید- این خلأ را پر کنند.
 ۳. اصل و قاعده صلاحیت سرزمینی قوانین (ماده ۵ قانون مدنی) قاعده حل تعارض برای حل مشکل قانون حاکم بر مسئولیت مدنی نیست که برای پر کردن خلأ سکوت قانون‌گذار در مورد مسئولیت مدنی به آن استناد شود.
 ۴. در سال‌های اخیر موافقت‌نامه‌های دو جانبه همکاری قضایی با دولت‌های روسیه، آذربایجان، قرقیزستان و قزاقستان به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده که در آنها پیش‌بینی شده که جبران خسارات تابع قانون محل وقوع است.
 ۵. گزینه‌های مختلفی برای قانون حاکم بر مسئولیت مدنی مطرح شده است: قانون محل (مقر) دادگاه، قانون محل وقوع عمل زیان‌بار، قانون مناسب و قانون مورد توافق طرفین.
 ۶. قانون محل دادگاه اگر در گذشته طرفدارانی داشته اکنون مدافعان و دلایل قابل دفاعی ندارد. قانون مناسب نیز فقط در ایالات متحده پذیرفته شده است.
 ۷. نظام‌های شناخته شده حقوقی از دیر باز قانون محل وقوع عمل زیان‌بار را بر مسئولیت مدنی حاکم دانسته‌اند. با وجود این، در قانون‌گذاری‌های نوین، به حاکمیت اراده برای تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی اولویت داده شده است؛ یعنی قانون محل وقوع، تنها در صورت عدم توافق طرفین اعمال خواهد شد.
- این راه‌حل در نظام حقوقی ایران نیز قابل توصیه و قابل اعمال است.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. ارفع نیا، دکتر بهشید؛ **حقوق بین الملل خصوصی (جلد دوم)**، انتشارات بهتاب، ۱۳۷۹.
۲. الماسی، دکتر نجاد علی؛ **حقوق بین الملل خصوصی**، نشر میزان، ۱۳۸۲.
۳. الماسی، دکتر نجاد علی و میرحسینی، مجید؛ **حاکمیت اراده در تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در مقررات متحدالشکل روم دو و حقوق ایران**، فصلنامه حقوق خصوصی، ش ۱۷، ۱۳۹۱.
۴. جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر؛ **مجموعه محشای قانون مدنی (علمی، تطبیقی، تاریخی)**، گنج دانش، چ دوم، ۱۳۸۲.
۵. سلجوقی، دکتر محمود؛ **حقوق بین الملل خصوصی (جلد دوم)**، نشر میزان، چ سوم، ۱۳۸۵.
۶. شریعت باقری، دکتر محمد جواد؛ **حاکمیت اراده بر قراردادهای بین المللی خصوصی**، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۵۸، ۱۳۹۱.
۷. شهیدی، دکتر مهدی؛ **قواعد ایرانی تعیین قانون حاکم بر قرارداد، اندیشه‌های حقوقی**، انتشارات مجد، چ دوم، تهران، ۱۳۸۷.
۸. شیخ الاسلامی، دکتر سید محسن، **حقوق بین الملل خصوصی**، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۴.
۹. صالحی ذهابی، جمال؛ **مسئولیت مدنی و قانون حاکم بر آن در تعارض قوانین**، مجله صنعت بیمه، پاییز ۱۳۸۱- ش ۶۷.
۱۰. عامری، جواد؛ **حقوق بین الملل خصوصی**، انتشارات آگاه، ۱۳۶۲.
۱۱. قاسم زاده، دکتر مرتضی؛ **مبانی مسئولیت مدنی**، نشر میزان، ۱۳۸۳.
۱۲. کاتوزیان، دکتر ناصر؛ **حقوق مدنی، ضمان قهری - مسئولیت مدنی**، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.

۱۳. کاتوزیان، دکتر ناصر؛ **قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی**، نشر دادگستر، تهران، چ پانزدهم، ۱۳۸۶.
۱۴. نصیری، دکتر محمد؛ **حقوق بین‌الملل خصوصی**، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۸۰.

ب) لاتین

15. C. Emanuelli, Droit international privé québécois, Montreal, Wilson & Lafleur, 2001.
16. Cheshire & North's, Private International Law, eleventh edition, Butterworths, London, 1987.
17. Gutmann, Daniel, Droit international privé, Dalloz, 2009.
18. Loussouarn, Yvon et Bourel, Pierre, Droit international privé, Dalloz, 1988.
19. Mayer, Pierre; Heuze, Vincent, Droit international privé, Montchrestien, 9 eme edit, Paris, 2007.